

12, 77

"Хуласа-и фикх-и Кайдани"

Сочинение по богословию. На арабском языке с переводом на персидский язык.

Литография. Ташкент, 1833 г.



غنوار یغزولو ۳۱
 فبرال یغزوت ۲۹
 ملط یغزوجل ۳۱
 افریل یغزوتور ۳۵
 مای یغزوزا ۳۱
 اویون یغزوسرطان ۳۵
 اویول یغزاسد ۳۱
 آغوست یغزسنبله ۳۱
 سقاپر یغزیزان ۳۵
 اوکتابر یغزاقرب ۳۱
 نوپابر قویس ۳۵
 دیکابر جدر ۳۱

وکره الكلام في خلف الجمارة وفي الخلاء وفي حاله
 اجماع . سراجیه

خلاص فقہ کیدانی

Печатано съ разрѣшенія Туркестанскаго
 Генераль-Губернатора 30 Нолбри 1883 г.

۱۳۲۹

شهرتاشکنده لاختین باسرخایه سنده

دقا غزب بکیرمشت خاک را
 ایند عار ا هفت بار بخوان بر خاک
 برات و دهن کل کن و این کل در موضع
 کزیده حال بشود کیس کند
 کیس کند خاک لب

این برادر از مسکنی که در فریفته یاد دارد
 که بر سر کنداجیل فریفته کند است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين واصلوة وسلام
حمد ثابت است بر الله تعالی که پروردگار همه عالمات و نیکی آخرت مر بهیزگار از است و دعا و دور و نازل باد
علی رسول محمد وآله اجمعین ع سلم ان العبد مبتلی من
بر رسول او که نام او محمد اند و بر جمع ال او بداند البته بنده آزموده شد است در میان
ان یطیع الله تعالی فی ثاب و بین ان یعصیه فی عاقب
اینکه اطاعت کند خدا را پس ذاب داده شود و میان اینک عصبان کند خدا را بر عقاب کرده شود
والابتلاء یتعلق بالمشروع و غیر المشروع فعلاً و ترکاً فلا
یعنی آزمودن حقیق دارد با هر جائز و با هر ناجایز از روی کردن و ناکردن پس
من بیان انواع مشروعات و غیر المشروعات و بیان
معانیها و احکامها یسمل علی الطالب در کما و ضبطها
معانی مشروعات و غیر مشروعات و احکام این دو تا که آسان شود بر طالب در یافتن آن

بیشتر بعد از آن به اندک بعد نماز
 پس در وقت نماز که در یک روز یک بار
 بعد از آن چیزی نفاس علم ای صدر یکبار
 کدم است جواب بود که بیست و یک بار
 گفتن است که الحمد لله ان لا اله الا الله و اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله
 دو مرتبه و در وقت نماز که در روز یکبار
 چهارم زکوة حال دلالت بر اینست که طواف خانه کعبه در هر یک از این چهار مرتبه
 قدرت و توانایی باشد مرزاد و را جل و او را در هر یک از این چهار مرتبه
 بیت است فرائض نماز و فرائض
 بابت پاک دارد در هر یک از این چهار مرتبه
 بسوی جامه پاک از اشارت بسوی پاک در این چهار مرتبه
 و قد قان اشارت بسوی نیست و او اشارت بسوی
 قاف دوم اشارت بسوی قیام است اشارت بسوی تکبیر تحریر
 سه اشارت بسوی رکوع پسین اشارت بسوی قنوت
 قاف اخیر اشاره بقصد اخیر چهار کتاب مشرفه
 یعنی فریفته های نماز را ندانی فردا در روز قیامت جای تو در فلان
 خلق جایست در روز عماران و کثره مانا بسیار است و جلی چند
 طائف مردم است اول جایه مردمانیکه نماز میکنند از آنجا
 فرائض نماز را نمیدانند طائف دوم آنکس است که
 حاجت را از مردمانی میکنند و هم آنکس است که
 و تهر و تیره دارند و امثال اینها از جمله جواب

چند نمیدانند که در این وقت
 با جوانان بر این وقت
 روی لوطه میکنند از راه
 زمان خود را میکنند
 و فحاشی است که میکنند
 چه در وقت دعا و خواب میکنند

وضبطها فنقول وبالله التوفيق المشروع اربعة

و باد کردن پس بگویم ما حال آنکه باسد عقاب است بوفیق دادن مشروعات چهار

النواع فرض و واجب و مستحب و ملها

نوعت فرض و واجب و مستحب و ملها میشود

المباح و غیر المشروع نوعان محرم و مکروه

مشروع از مباح و غیر مشروع دو نوعت حرام و مکروه است

و يتلو بهما المفسد للعمل المشروع فيه فالكل كالم

و تابع میشود باین دو مفسد هر عمل مشروع

النواع اما الفرض فما ثبت بدليل قطعي لاشبهه

مشروع هر وقت نوع است اما فرض پس آنچه که ثابت شده است بدلیل قطعی که نیست شبهه

فيه وحكمه الثواب بالفعل والعقاب بالترك

دران دلیل وحکم فرض ثواب است بسبب کردن و عذاب است بسبب ترک کردن

بلا عذر والكفر بالانكار في المتفق عليه والواجب

بد عذر و کفر است بسبب انکار کردن در فرض متفق علیه و واجب

ما ثبت بدليل ظني فيه شبهة وحكمه حكم

آنست که ثابت شده است بدلیل ظنی که در همین دلیل شبهه است و حکم واجب حکم

الفرض عملا لا اعتقادا حتى لا يكفر جاحده

فرض است از روی عمل نه از روی اعتقاد تا آنکه کافر میشود مگر شونده واجب

والشنة ما واطب النبي عليه السلام مع تركه مرة

و سنت آن است که مداومت نمود نبی علیه السلام با ترک آن چندین بار

او مرتين وحكمه الثواب بالفعل والعقاب بالترك

با دو بار و حکم سنت ثواب است بسبب کردن و عذاب است بسبب ترک کردن

یعنی است در لغت طریقه ایست خواه نیک
و خواه بد و در اصطلاح ما و المباح
فرض در لغت بریدن و اندازه کردن است و در
اصطلاح فحاشیست بدلیل واجب در لغت
لازم و با قسط است

فی الهدی ولم یتح ما فعله النبی علیه السلام مرة

در سنت مؤکده و نسخ آن جز است که کرد اورا این جمله سلام بیکبار

وترکه آخری و ما احبته السلف و حکمه الثواب بالفعل

ترک کرد اورا بار دیگر و آنچه دوست داشته است اورا سلف و حکم او ثواب است بسبب کرد

و عدم العقاب بالترک و المباح ما یحیی العبد

و عدم عقاب است بسبب ترک کردن مباح آن جز نیست که بخیر کند آفرشته شده است بنده

بین الایمان و الترتک و حکمه عدم الثواب

بیان آورده و بیان ترک کردن حکم مباح عدم ثواب است

و العقاب فعلاً و ترکاً و المحرم ما ثبت النهی فیه

و عدم عقاب است از روی کردن و ترک کردن محرم آن جز نیست که ثابت شد است نهی در وی

بلا معارض و حکمه الثواب بالترک لیس عرو و جل

ب معارض و حکم حرام ثواب است بسبب ترک کردن برای خدای غالب

و العقاب بالفعل و الکفر بالاستحلال فی المتفق

و عقاب است بسبب کردن و کفر است بسبب حلال نمودن در متفق

علیه و المکره ما ثبت النهی فیه مع المعارض و حکم

علیه و مکروه آن جز نیست که ثابت شد است نهی در او با معارض و حکم مکروه

الثواب بالترک الموصوف و خوف العقاب

ثواب است بنا کردن که صفت کرده شده است و خوف عذاب است

بالفعل و عدم الکفر بالاستحلال و افسد بولها قض

بسبب کردن و عدم کفر است بحلال نمودن مفسد عذابت که تکلیف است

للعمل المشرع فیه و حکمه العقاب بالفعل عمداً و

برای عملی که شرع کرده شد در آن و حکم مفسد عذاب است بسبب کردن از روی قصد